

کاظم دانش *

محمد خزائی **

تاریخ دریافت: ۹۹،۱،۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۹،۳،۲۸

نمادشناسی رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی

چکیده

بیان مسئله: نمادهای رنگی از بارزترین نمادهایی هستند که روان انسانها را متأثر می‌سازند. رنگها در ارتباطشان با طبیعت، فرهنگ، باورهای دینی و تجارب زندگی معانی ویژه به خود اختصاص می‌دهند؛ اما در هر حال تابع موقعیت‌های زمانی، جغرافیایی، اندیشه، فرهنگ، سیاست، دین و سنت مردم هستند. هر رنگی در میان مکان حرفه یا فرهنگی خاص نماد چیزی خاص است. در فرهنگ ایرانی هم رنگها مفهوم خاص خود را دارند. مسئله این پژوهش چیستی نماد رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی است. اینکه بیان نمادین رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی چیست؟ سؤالی است که در این پژوهش به آن پاسخ داده می‌شود.

هدف: هدف این پژوهش بررسی نمادهای رنگ سبز و تحلیل مفاهیم نهفته در ورای آن، در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی و در نهایت آگاهی بهتر از مفاهیم نمادین ایرانی است.

روش پژوهش: روش این مقاله به شیوه توصیفی، تحلیلی است. در تحلیل داده‌ها از روش مقایسه‌ای و تطبیقی استفاده شده است؛ گردآوری اطلاعات نیز برآمده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

یافته‌ها: رنگ سبز در اندیشه و آئین میترایی گاه نماد آسمان، ماه و آب و گاهی در نماد داد و دادگری، فرشته و سروش؛ و همچنین در نظام طبقاتی جامعه قبل از اسلام نماد طبقه کشاورز بود. این رنگ در اندیشه اسلامی نیز نماد بهشت و بهشتیان، پیامبران و ائمه؛ و در عرفان و تصوف به‌عنوان مرحله‌ای از سلوک عارفانه است. طبیعت، ایمان، خرد و دانایی، جوانی و نشاط و... دیگر نمادهای رنگ سبز هستند.

کلیدواژه:

رنگ سبز، نماد، فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی

دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران*

k.danesh@tabriziau.ac.ir

استاد گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران**

mohamad.khazaei@gmail.com

مقدمه

یکی از مباحث مهم در شناخت فرهنگ جوامع بشری، بررسی معانی و جایگاه رنگ‌ها در آثار هنری و ادبی آن جوامع است. گاهی ممکن است گروه‌های فعال اجتماعی یا سیاسی تحت تأثیر محیط طبیعی، روحیه، اندیشه، مسلک و دیگر عوامل به رنگی تمایل داشته و به‌عنوان رنگ تن‌پوش، پرچم و یا کلاه خویش اختیار کنند. هنرمندان و شاعران نیز برای ملموس و عینی کردن تصاویر ذهنی و شاعرانه خویش و توضیح مفاهیم بیان‌نشده، از نمادهای رنگی استفاده می‌کنند. مخاطب نیز با تحلیل رنگ‌ها در یک نوشته ادبی یا یک اثر هنری و تصویری، می‌تواند به افکار و عواطف شاعر یا هنرمند و نیز موضوع و درون‌مایه اثر دست یابد. قدما در بعضی موارد، برخی رنگ‌های مشابه را یکسان پنداشته و بر آن‌ها نام واحدی در نظر می‌گرفتند مثلاً رنگ‌های نیلی، بنفش و لاجوردی در معنای سیاه؛ صورتی و انواع قرمز را سرخ و آسمان و دریا را سبز می‌پنداشتند. هدف این پژوهش بررسی نمادهای رنگ سبز و تحلیل مفاهیم نهفته در ورای آن، در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی و در نهایت آگاهی بهتر از مفاهیم نمادین ایرانی است. در این پژوهش تلاش می‌شود به این سؤال که بیان نمادین رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی چیست؟ پاسخ داده شود.

روش پژوهش

مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی با تحلیل داده‌های به روش مقایسه‌ای و تطبیقی ارائه شده است. گردآوری اطلاعات نیز از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. در نمونه‌های تصویری سعی شده از آثار هنرمندان تراز اول مکاتب نگارگری ایران استفاده شود.

پیشینه پژوهش

درباره مفاهیم نمادین رنگ‌ها در فرهنگ ایرانی و اسلامی، تحقیقات متعددی صورت گرفته است از جمله: «رنجبر و همکارانش» (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش نمادین ستاره در قالی‌های دوره اسلامی» بیان کردند که نقش ستاره به عنوان نمودی بصری، نمادین و عرفانی یکی از زیباترین نقوش در هنر فرش بافی اسلامی و بیان گر تجلی انوار حق بوده است. «خیراله محمودی و معصومه بخشی زاده» (۱۳۹۲) در مقاله «مزرع سبز فلک‌نگاهی انتقادی به شعر حافظ»، به این موضوع پرداخته‌اند. «روهینا و احمدپناه» (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش‌مایه درخت سرو در قالی‌های دوره صفوی و قاجار» با هدف شناخت اصالت نقوش ایرانی و ادراک بهتر معانی طرح‌های اسطوره‌ای و مفاهیم آن انجام داده‌اند. «زرین تاج‌واردی و آزاده مختارنامه» (۱۳۸۶) در پژوهشی به نام «بررسی رنگ در حکایت‌های هفت‌پیکر نظامی»، «مریم مونس سرخه و همکاران» (۱۳۹۴) در پژوهشی به نام «نوع لباس و نمادهای رنگ در عرفان اسلامی» «ناصر نیکوبخت و سید علی قاسم‌زاده» (۱۳۸۷) در پژوهشی به نام «سمبولیسم نور و رنگ در عرفان ایرانی اسلامی» در پژوهش دیگری «خشایار قاضی‌زاده و محمد خزایی» (۱۳۸۴) به نام «مقامات رنگ در هفت‌پیکر نظامی و تجلی آن در نمونه‌ای از آثار نگارگری» به حوزه مرتبط با این موضوع پرداخته‌اند. پژوهش‌های گفته شده، بیشتر به بازتاب‌های ادبی و دیدگاه شاعر یا گروهی خاص در استفاده از نماد سبز پرداخته‌اند، در مقاله حاضر سعی شده تا با تطبیق منابع ادبی، اسطوره‌ای و عرفانی با نگاره‌ها به برخی

از جنبه‌های نمادین رنگ سبز که به صورت غیرمستقیم و پنهان در لابه‌لای این متون بوده و تاکنون بدان‌ها اشاره‌ای نشده است، بپردازیم.

نمادهای رنگ سبز

رنگ سبز از دیرباز در فرهنگ مردمان ایران زمین جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ چنانچه خواص و عوام به انحای مختلف از ویژگی‌های نمادین آن برای بیان اندیشه‌های خویش بهره برده‌اند. برخی از این معانی نمادین ریشه در اساطیر و تاریخ دارد که با گذشت دوره‌های تاریخی معانی خویش را حفظ کرده و به ما رسیده‌اند. از آن جمله رنگ سبز نماد آسمان، کشاورز و کشاورزی، داد و دادگری، سروش و فرشته، بهشت و بهشتیان، پیامبر و ائمه، ماه و آب، خرد و دانایی، ایمان و عقیده راسخ، نشاط و جوانی و نماد توکل در عرفان و تصوف است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. آسمان

آسمان در اساطیر زردشتی بیشه مانند و سبزرنگ می‌نماید و از روشنی آسمان، نطفه مردمان و گاوان آفریده می‌شود (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۹۳-۹۴؛ فرنبرگ دادگی، ۱۳۷۸: ۴۱) سبز پنداشتن آسمان در اشعار شاعران هم راه یافته است که بخشی از این سبزی ریشه در اسطوره دارد و بخشی نیز به یکی پنداشتن سبز و آبی برمی‌گردد (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۱۰۵).

که آویخته است اندرین سبز گنبد	مرا این تیره گوی درشت کلان را (ناصر خسرو)
اینک آن جویی که چرخ سبز را گردان کند	اینک آن رویی که ماه و زهره را حیران کند (مولوی)
مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو	یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو (حافظ)

۲. کشاورز و کشاورزی

در ایران قبل از اسلام، افراد طبقات سنتی جامعه، برای معرفی شخصیت طبقاتی خویش جامه‌هایی با رنگ‌های گوناگون می‌پوشیدند. در متون اوستایی از سه طبقه و بعد از آن از چهار طبقه: پادشاه و روحانیان، ارتشتاران، کشاورزان و صنعتگران و نیز در متون پهلوی طبقه دبیران نیز اضافه شد. جامه موبدان سفید، ارتشتاران سرخ، دبیران زرد و کشاورزان به رنگ کبود (سبز) بود. (بهار، ۱۳۸۴: ۷۴) دکتر نامور مطلق در این زمینه می‌گوید: «جالب است که رنگ پیشه‌وران سبز و به گیاهان مرتبط می‌شود، رنگ جنگاوران سرخ و رنگ شه‌ریاران سفید است. شاید کسی که این رنگ‌ها را [برای رنگ پرچم ایران] انتخاب می‌کرده است، ناخودآگاه به شعار کوروش توجه داشته که می‌گوید: «من از سه چیز دروغ، دشمن و خشک‌سالی برای ملت خود بیم‌گاه هستم» دروغ برای شه‌ریاران بزرگ‌ترین بیم است، دشمن برای جنگاوران و خشک‌سالی برای پیشه‌وران بزرگ‌ترین خطر است زیرا کار اصلی آن‌ها کشاورزی و دامداری است»^۱

۳. داد و دادگری

یکی از قدیمی‌ترین آیین‌های مذهبی در ایران آیین مهری است که رنگ سبز در آن سمبل مبارزه با بیداد است. نمود آن‌را در اساطیر ایرانی می‌توان یافت. فریدون شخصیت اساطیری و پادشاه پیشدادی به یاری کاوه برضحاک بیدادگر چیره شده؛ و او را در کوه دماوند به بند می‌کشد. او جشن مهرگان را پایه‌گذاری می‌کند فردوسی او را فردی دادگر معرفی می‌کند و درباره دعوت انسان‌ها به دادگری؛ فریدون و عدالت او را مثال می‌آورد:

فریدون فرخ فرشته نبود ز مشک و ز عنبر سرشته نبود
 بداد و دهش یافت آن نیکوئی تو داد و دهش کن فریدون تویی

همان‌طور که در تصویر ۱ دیده می‌شود فریدون به‌عنوان فردی دادگر در مقابل بیداد ضحاک نشان داده شده است که لباسی به رنگ سبز بر تن دارد. در شاهنامه فردوسی پرده سرای رستم به رنگ سبز است. در داستان سهراب، هنگامی که از «هژیر»، نشانی‌های پهلوانان ایرانی را می‌پرسد، چشمش به سراپرده‌ای سبزرنگ می‌افتد:

بپرسید کان سبز پرده سرای یکی لشکری گشن پیشش به پای
 یکی تخت پرمایه اندر میان زده پیش او اختر کاویان
 برو برنشسته یکی پهلوان ابا فر و با سفت و یال گوان

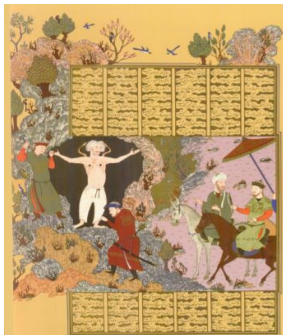
همچنین در داستان مربوط به خاقان چین نیز می‌خوانیم:

سراپرده سبز دیدم بزرگ سپاهی به کردار درنده گرگ
 یکی ازدهافش درفشی بیای نه آرام دارد تو گفתי نه جای

رستم در باور ایرانیان نماد پهلوانی و دادگری است که همواره در برابر ظلم ایستاده و مانع بی‌عدالتی می‌شود در داستان اسفندیار می‌خوانیم اسفندیار که متولی دین زرتشتی است از طرف گشتاسب مأموریت می‌یابد تا رستم را به دین جدید بیاورد و اگر نپذیرفت دست‌بسته او را به نزد شاه آورد. چون رستم وفادار به آیین مهری است دعوت را نمی‌پذیرد. در نگاره‌های متعددی او را با لباسی به رنگ سبز نشان می‌دهند. (تصویر ۲)

بنا بر مدارک موجود اشکانیان بر آیین مهری بودند. عدم گزارش حتی یک مورد شورش مردمی علیه نظام پادشاهی آن‌ها نشان می‌دهد که ایشان نظام پادشاهی بر اساس عدالت داشتند. آن‌ها رنگ سبز را برای شناسایی خود انتخاب نموده بودند. بنا به نوشته‌های «ابن اسفندیار» در «تاریخ طبرستان» و نیز «مولانا اولیا اله آملی» در «تاریخ رویان» از انوشیروان حکایت می‌کنند، هنگامی که انوشیروان با «هفتالیان» در جنگ بود گروهی سبزی پوش به کمک وی می‌آیند: «ناگاه سه هزار سوار آراسته، با علم‌های سبز و سلاح و آلات و برگستوان‌های زرین و جامه‌های نفیس و گران‌مایه و اسبان بی‌نظیر، همه اسب و مرد غرق سلاح که از ایشان جز چشم آشکار نبود، همه سبز پوشیده، برکنار لشکر انوشیروان گذر کردند.» (مولانا اولیا اله آملی، ۱۳۱۳: ۲۳-۲۴) هیچ‌کدام لشکر ندانستند ایشان چه کسانی هستند بعد از جنگ انوشیروان از آن‌ها می‌خواهد که خود را معرفی کنند و ایشان خود را فرزندان «سوخرا» معرفی می‌کنند. سوخرائیان از خاندان اشکانی و از فرزندان قارن (کارن) بودند که پیشینه نژادشان در اساطیر به کاوه آهنگر می‌رسد. (اعظمی سنگسری، ۱۳۵۴: ۷۳۰) فردوسی در شاهنامه بهرام چوبین را از خاندان مهران و اشکانی معرفی می‌کند. بهرام در جنگ با خسرو پرویز لباس سبز بر تن داشت. (تصویر ۳) نظامی در مخزن الاسرار، داستان پیرزنی را نقل می‌کند که روزی بر سر راه سنجر سلجوقی می‌آید و سلطان را عامل جنایت‌هایی می‌شمارد که شحنة او نسبت به مردم روا می‌دارد:

کای ملک آرم تو کم دیده‌ام وز تو همه ساله ستم دیده‌ام



تصویر ۱.

به بند کشیده شدن ضحاک در کوه دماوند. منبع:

www.pinterest.co.uk



تصویر ۲.

رزم رستم و اسفندیار. منبع:

www.metmuseum.org



تصویر ۳.

حمله شبانه بهرام به اردوی خسرو پرویز. منبع:

www.metmuseum.org

گر ندهی داد من ای شهریار با تو رود روزشمار این شمار
داوری و داد نمی بینمت وز ستم آزاد نمی بینمت

اما سنجر شکایت پیرزن را به سخره و آسان می گیرد و در نتیجه دیری نمی پاید که مملکت خراسان را به ویرانی می کشاند. در نگاره های تظلم خواهی پیرزن، نگارگران سلطان سنجر را در مقام داور و قاضی قرار داده اند و پیرزن از او دادخواهی می کند در این نگاره ها نیز سلطان را در لباسی به رنگ سبز نشان می دهند. (تصویر ۴)
عدل کن با خویشان تا سبزپوشی در بهشت عدل ازیرا خاک را می سبز چون

مینا کند (ناصر خسرو)

تصویر ۴

تظلم خواهی پیرزن از سنجر.

منبع: www.britishmuseum.org

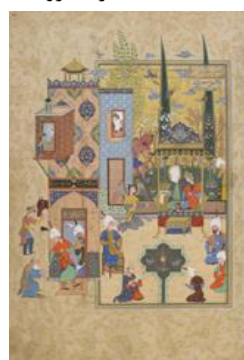
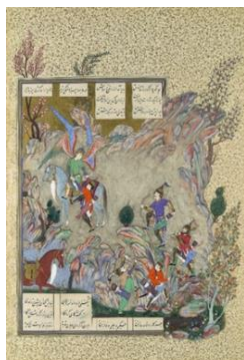
تصویر ۵

داوری سلیمان. منبع: www.asia.si.edu

تصویر ۶

فرود آمدن سروش برای یاری خسرو پرویز.

منبع: www.metmuseum.org



۶

۵

۴

در قرآن در مورد مقام قضاوت حضرت سلیمان (ع) چنین آمده است: «ما به هر یک از داود و سلیمان مقام داوری و علم عطا کردیم» (انبیا: ۷۹). در داستانی از کتاب مقدس دو زن به نزد سلیمان می آیند و ادعا می کنند که مادر کودکی هستند و از سلیمان درخواست می کنند که بین آن ها قضاوت کند. در داستان دیگری پیرزنی که بر اثر وزش باد از بام افتاده و دستش شکسته بود نزد سلیمان آمده و از باد شکایت می کند. هر دو داستان مربوط به قضاوت حضرت سلیمان، در نگاره های از هفت اورنگ جامی در یک تصویر ارائه شده است. در این نگاره حضرت سلیمان (ع) در مقام داور و قاضی، لباسی سبزرنگ بر تن دارد (تصویر ۵).

۴. سروش و فرشته

سروش فرشته ایست که جامه ای سبز می پوشد تا رنگ آسمانی و قدسی او برجسته شود. از ویژگی های سروش یاری دلیران و رزمندگان است. سروش و امشاسپند اردیبهشت از حامیان رستم هستند و او را در کدخدایی آبرشهر (آبرنگ) یاری می رسانند. در شاهنامه در جنگ دوم میان خسرو پرویز با بهرام چوبین، خسرو شکست خورده در حالی که دشمن او را محاصره کرده، از خدا کمک می طلبد (تصویر ۶).

همان گه چو از کوه بر شد خروش پدید آمد از راه فرخ سروش

یکی جامه اش سبز و خنگی به زیر ز دیدار او گشت خسرو دلیر

«فخرالدین اسعد گرگانی» نیز در کتاب «ویس و رامین» می گوید:

به خواب اندر فراز آمد سروشی جوانی، خوب روئی، سبزپوشی

همچنین سروش یکی از داوران مینوی به همراه ایزد مهر و رشن، وظیفه قضاوت و داوری بر روان درگذشتگان و هدایت و دستگیری از روان نیکان و پارسایان برای عبور از پل چینود را دارد.

در بیت زیر «نظامی»، سروش و فرشتگان را سبزیپوش معرفی می‌کند:

نهان پیکر آن هائف سبزیپوش که خواند سراینده آن را سروش (نظامی)

«علی بن موفق یکی از بزرگان بوده است، گفت: یک سال حج کردم شب عرفه دو فرشته را به خواب دیدم که از آسمان فرود آمدند- با جامه‌های سبز...» (غزالی، ۱۳۷۴: ۲۱۸-۲۱۹)

۵. بهشت و بهشتیان

در قرآن رنگ پوشش بهشتیان سبز معرفی شده است. «آنان بر بالش‌هایی تکیه زده‌اند که با پارچه‌های سبزرنگ و فرش‌های کمیاب آراسته شده است.» (الرحمن: ۷۶) «آن‌ها با دستبندهایی از طلا آراسته خواهند شد و به لباس‌هایی سبز از ابریشم ظریف و زربفت ملبس خواهند شد.» (کهف: ۳۱) وقتی از پیامبر (ص) در مورد ابواب بهشت سؤال می‌شود حضرت پاسخ می‌دهند باب الرحمه از یاقوت سرخ، باب الصبر دارای مرصعی از یاقوت سرخ، باب البلا از یاقوت زرد است و باب الشکر رنگی به یاقوت سبزرنگ دارد و در ابتدای باب العظم ملانکه‌ای از نور با پوشینه‌هایی به شدت سبز حضور دارد. همچنین در معراج «بال‌های سبز جبرئیل رنگ‌های سبز، زرد، قرمز و سفید...؛ پلکانی از زمرد سبز، طلا و نقره به سوی آسمان که از طریق آن پیامبر عروج کرد؛ دریایی از نور زرد و سبز که پیامبر در آن غوطه‌ور شد. هفتاد هزار پرده از مرواریدهای سفید و زمردهای سبز. رنگ فرشتگان، رنگ آسمان‌ها و هر آنچه از زیبایی در آن است. رنگ سبزی زمردی «لوح محفوظ»... کوه قاف که از زمرد سبزرنگ ساخته شده و شامل جهان زمینی و طاق آسمان است که از آن رنگ سبز خود را دریافته و الی آخر» (العظمه، ۱۹۸۲: ۱۷-۴۶).

۶. پیامبر و ائمه

سبز در اسلام، رنگی مقدس و با پیامبر اسلام (ص) و خضر مرتبط است. در «وراد الاحباب» آمده است: «انس بن مالک می‌گوید که رسول خدا رنگ سبز را از جمله رنگ‌ها دوست‌تر داشتی و جامه اهل بهشت سبز است.» (بخاری، ۱۳۴۵: ۳۷). در روایات آمده که هنگام تولد پیامبر اسلام (ص) جبرئیل به زمین آمده و پرچم سبزی را بر فراز کعبه برافراشت. (الدیار بگری، بی تا، ج ۱، ص: ۱۸۵) در هنگام ازدواج ایشان با خدیجه (س)، حضرت رسول لباس سبز پوشیده بودند (بکری، ۱۳۷۳: ۳۴۱). به نقل بعضی از مورخان دیده شده که پیامبر (ص) هنگام طواف لباس سبز می‌پوشیدند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۵۰) جبرئیل (ع) در شب قدر در حالی نازل می‌شود که همراه وی لوای سبزرنگی است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۷۳). رنگ «رُفَرَف»، مرکب حضرت رسول (ص) در عروج از مسجدالاقصی برای سفر آسمانی، سبز است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۲۱) (تصویر ۷). حضرت خضر را نیز سبزیپوش می‌دانند. از معجزاتش این بود که روی هر زمین خشکی می‌نشست، زمین سبز و خرم می‌گشت و دلیل نامش، خضر (سبز) نیز همین است. البته در داستان خضر، آب حیات نقش مهمی ایفا می‌کند که ارتباط وی را با رنگ سبز نشان می‌دهد (تصویر ۸).

جهان پر از خضر سبزیپوش دانی چیست که جوش کرد ز خاک و درخت آب حیات (مولوی)

در منابع آمده که دو لباس از بهشت برای پیامبر (ص) فرستاده شد و پیامبر لباس سبزرنگ را به امام حسن (ع) و لباس قرمز را به امام حسین (ع) دادند (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۴: ۴۴) در فرهنگ تشیع، سبز نشانه‌ای از معصومیت و شعار بنی‌هاشم است؛ در نقاشی‌های ایرانی حضرت علی (ع) را با دستار سبز می‌کشند (تصویر ۹)، سادات نیز

برای متمایز ساختن خود از دیگران از شال یا عمامه سبز استفاده میکرده‌اند (شهری باف، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۳۲). آنچه از سبز به عنوان لباس رسمی بنی‌هاشم یاد شده در زمان مأمون عباسی است: «امیر مؤمنان، علی بن موسی را ولیعهد خویش کرده از آن‌رو که بنی علی را نگریسته و کسی را برتر و پرهیزگارتر و داناتر از او نیافته و او را رضای آل محمد نامیده و دستور داده که پوشیدن جامه‌های سیاه را بگذارند و جامه‌های سبز بپوشند ... و به عیسی و یاران وی و سپاه و سرداران و بنی‌هاشم دستور می‌داد که با وی بیعت کنند و وادارشان کند که قباها و کلاه‌های سبز بپوشند و پرچم‌ها را سبز کنند و همه مردم بغداد را بدان وادار کند» (طبری، ۱۳۶۴، ج ۱۳: ۵۶۶۰ و بیهقی، ۱۳۸۱: ۱۹۱) (تصویر ۱۰).

بنا به توصیف مستوفی در دوره ناصری، شبیه امام حسین معمولاً قبا را سبز، شال و عمامه سبز، عبا ابریشمی شانه زری سبز یا سرخ می‌پوشید (مستوفی، ۱۳۸۸: ۲۸۹) و شبیه حضرت عباس (ع) با ردا و علم سبز به نشانه علم‌داری، پر سبز بر کلاه خود استوار کرده و کمر بندی سبزرنگ بر کمر می‌بندد (عنصری، ۱۳۶۶: ۲۳۷) (تصویر ۱۱).

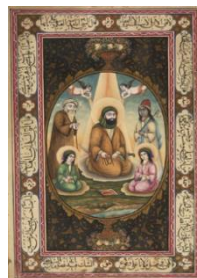
«به‌آفرید» از اهالی زوزن خراسان در زمان ابومسلم ادعای پیامبری می‌کند. وی هنگام دعوی پیامبری جامه سبز به تن کرده بود. به‌آفرید پیش از آن که دعوی پیامبری خویش آشکار کند سفری به چین می‌کند؛ وقتی از سفر چین بازگشت پیراهن سبزرنگ نازک و حریر با خود آورد و شب بر بالای گنبدی رفت و آن‌جا پنهان شد و صبح از آن‌جا فرود آمد لباس بر تن کرد و ادعا کرد که هفت سال در آسمان بوده و بهشت و جهنم را بر او نشان داده‌اند و خداوند بر وی وحی کرده و این پیراهن به او داده است (صدیقی، ۱۳۷۲: ۱۵۳-۱۵۵). «مجد خوافی» نیز گوید که به‌آفرید «از ظرایف چین بسیار با خود آورد و از آن جمله پیراهنی سبز بود که چون در پیچیدی در قبضه ناپدید می‌شدی...» (اقبال: ۱۳۰۹: ۹۷) (تصویر ۱۲).



۱۱



۱۰



۹



۸



۷

تصویر ۷. معراج حضرت محمد (ص). منبع: www.britishmuseum.org

تصویر ۸. حضرت خضر و الیاس. منبع: www.pinterest.co.uk

تصویر ۹. حضرت علی (ع) و حسن بن علی (ع). منبع: www.pinterest.co.uk

تصویر ۱۰. رزم امام رضا و دیو. منبع: www.pinterest.co.uk

تصویر ۱۱. بار یافتن مسلم نزد امام حسین (ع). منبع: www.pinterest.co.uk

۷. ماه و آب

ابوریحان بیرونی در «التفهیم» روزهای هفته را شرح داده و روز دوشنبه را مربوط به سیاره ماه و رنگ آن را سبز دانسته است. «ماه سعد و منجست از دیگران پذیرنده، از رنگ‌ها به کیودی یا زردی یا تیرگی... و به روز دوشنبه و اقلیم هفتم (چین و ما چین) ... دلالت دارد» (بیرونی، ۱۳۱۸: ۳۵۸). همچنین به هشت طبقه آسمان اشاره می‌کند: فلک‌ها هشت گوی‌اند یک بر دیگر پیچیدن، همچون پیچیده تویی‌های پیاز. خردترین فلک‌ها آن است که به ما نزدیک‌تر است و ماه اندر او همی رود و همی برآید ... (بیرونی، ۱۳۶۷: ۵۶). اما «سیوطی» و «میبدی» آسمان را هفت طبقه دانسته و طبقه هفتم را متعلق به ماه و آسمان سبز می‌داند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۲-۴۱ و میبدی، ۱۳۷۱: ۳۸۲) در اندیشه مزدایی بهشت در طبقه دوم آسمان و متعلق به ماه است. در آیین مهری فلک پنجم متعلق به ماه است و علامت آن داس است (خبره زاده، ۲۵۳۶: ۱۰۸).

در «منظومه هفت‌بیکره» نظامی «بهرام گور» روز دوشنبه به دیدار شاهدخت گنبد سبز می‌رود. داستان در مورد مردی به نام بشر پرهیزگار است، بنابر متن حکایت، بشر بر حسب تصادف زنی را در بازار دیده و عاشقش می‌گردد. از آنجا که بشر مردی پرهیزگار است برای دوری جستن از گناه به خانه خدا پناه می‌برد. در راه بازگشت با ملیخا مدعی همسفر می‌شود که با مرگ ناگهانی ملیخا، بشر به معشوقه خود می‌رسد. بشر به میمنت ازدواج با معشوقه، جامه سبز بر تن می‌کند. در این داستان آب نقش مهمی ایفا می‌کند که ارتباط وی را با ماه و رنگ سبز نشان می‌دهد (تصویر ۱۳).

تصویر ۱۲.

خروج به‌آفرید. منبع: www.pinterest.co.uk

تصویر ۱۳.

داستان خیر و شر.

منبع: www.britishmuseum.org

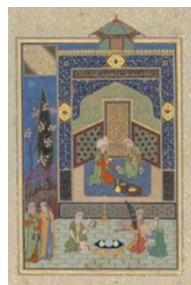
تصویر ۱۴.

بهرام گور در گنبد سبز.

منبع: www.metmuseum.org

تصویر ۱۵.

اسکندر و حکما. منبع: www.pinterest.co.uk



۱۵

۱۴

۱۳

۱۲

۸. خرد و دانایی

نظامی در داستان گنبد سبز، بانوی اقلیم سوم را به خردمندی توصیف می‌کند: (تصویر ۱۴)

زان خردمند سرو سبز آرنگ خواست تا از شکر گشاید تنگ

چنان‌که دیده می‌شود در این جا سبز، نشان‌گر خردمندی و نمادی از فرد داناست. در این بیت سعدی نیز

نمادی از آگاهی و معرفت است.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری ست معرفت کردگار

جامی، اسکندر را حکیمی دانش‌دوست و صاحب تعلیمات پندآمیز معرفی می‌کند.

اسکندر که گنجینه راز بود در گنج حکمت بدو باز بود

نظامی نیز اسکندر را در هیئت فیلسوفی فرمانروا، حکیمی فرزانه و پیامبری دین‌پرور معرفی می‌کند. (نگاره ۱۵)

گروهی ش خوانند صاحب سریر ولایت ستان بلکه آفاق گیر
 گروهی ز دیوان دستور او به حکمت نبشتند منشور او
 گروهی ز پاکی و دین پروری پذیرا شدندش به پیغمبری
 من از هر سه دانه که دانا فشاند درختی برومند خواهم نشاند

۹. ایمان و عقیده راسخ

با توجه به این که مؤمنین صابر هستند و در شدايد زندگي واجد ملكة صبر مي باشند، در علم روانشناسي نيز صفت صبر را با رنگ سبز نشان مي دهند، لذا مؤمنين، صفات و كلام آن ها، با رنگ سبز به نمايش درآمده است (قاسمي، ۱۳۹۶: ۴۱۹) به کارگیری رنگ سبز در این شعر سعدی، بر ایمان و عقیده دینی و بینش عارفانه او دلالت دارد.

رنگ قبول مردان سبز و سفید باشد نقش خیال رویش در هر پسر نباشد
 «کمال الدین بهزاد» در نگاره ۱۶، لباس یوسف (ع) را سبز انتخاب کرده که مبین اعتقاد و ایمان ذاتی پیامبر خداست و در برابر آن رنگ قرمز برای لباس زلیخا انتخاب شده که نشان از شهوت و عشق زمینی زلیخا دارد. در این جا سبز نماد لباس پیامبران نیز بکار رفته است.

تصویر ۱۶.

فرار یوسف از وسوسه زلیخا. منبع: www.pinterest.co.uk

تصویر ۱۷.

سعدی و جوان کاشغری. منبع: www.pinterest.co.uk

تصویر ۱۸.

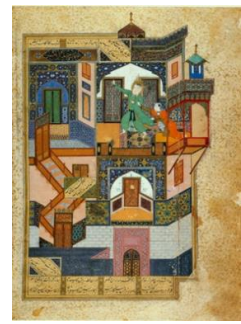
سماع درویشان. منبع: www.pinterest.co.uk



۱۸



۱۷



۱۶

۱۰. نشاط و جوانی

در نظر شعرا شادابی و نشاط از روحيات دوره جوانی است. همان طور که کشت زار به هنگام سرسبزی با حرکت نسیم با ناز این سو و آن سو می رود و چون زرد شد درهم شکسته می گردد، انسان هم در جوانی، سرشار از پویایی و تحرک بوده و با ناز و خرامان راه می رود، اما چون به پیری می رسد سست، خمیده و پژمرده می شود:
 چَمَد تا جوان است و سرسبز، خوید شکسته شود چون به زردی رسید (سعدی)
 و گاهی موی نودمیده بر رخسار بار را به سبزه هایی که برگرد چشمه آب حیات روییده تشبیه می کنند:
 ز عذارت خط سبز و ز کفت خط سیاه چون نبیند ز خط صبر بلا باد پدر (خاقانی)
 در نگاره ۱۷ بهزاد بر اساس این نمود جوان را در لباس سبز کشیده است.

۱۱. رنگ مرحله‌ای در عرفان و تصوف نماد توکل، معرفت، آرامش نفس، قناعت و پذیرش توبه

منظومه هفت‌پیکر نظامی که مراحل سلوک بهرام گور است، سومین مرحله سلوک، گنبد سبز است. در داستان این گنبد بشر با توکل و تسلیم بر خدا به مقصد نهایی می‌رسد. سبز در اینجا نشان توکل به خداوند و توسل پرهیز از تکبر است. (تصویر ۱۴)

رنگ سبز در عالم تصوف و عرفان، رنگ عالی‌ترین مقام رمزی است. سبز رنگ مرحله سوم از هفت شهر عشق و مرحله معرفت و یقین است. «حاتم اصم» می‌گوید: «صوفی باید چهار نوع مرگ را قبول کند که یکی مرگ سبز (موت الاخضر) است به معنی پوشیدن لباس خشن و زبر» (حقیقت، ۱۳۶۷: ۲۹ و گیلانی، ۱۳۹۳: ۱۹)

در باور عرفانی علاءالدوله سمنانی در مسیر تکامل سالک، هفتمین رده مربوط به اندام لطیفه حقیقه است که به حضرت محمد (ص) تأویل شده و رنگ آن سبزه است. به تعبیر او صفت خاص حق است، منزله از حلول و اتحاد و مقدس از اتصال و انفصال متجلی شود و پرده او سبز باشد و آن سبزی، علامت حیات شجره وجود باشد (سمنانی، ۱۳۸۳: ۳۰۴). در باور نجم رازی نیز مراحل سلوک به هفت گام رده‌بندی شده است که در گام چهارم آن نور سبز دیده می‌شود که نشانه آرامش روان (نفس آرام یافته، نفس مطمئنه) است (کربن، ۱۳۸۷: ۱۵۷). در بینش عرفانی سید محمد نوربخش نیز رنگ سبز نماد آرامش و نفس مطمئنه است. قلب انسان که منزل و محمل حضور حضرت حق است رنگی به رنگ سبز دارد. نجم‌الدین کبری در تعبیر و تأویل خواب‌ها رنگ سبز را در خواب‌های مثالی نماد حیات قلب است. نجم‌الدین کبری (۱۹۹۳: ۱۳۲) می‌گوید: رنگ سبز نشانه زندگی و نشاط است. در نزد وی، رنگ سبز بالاترین رنگ است حتی زمانی که همه رنگ‌های دیگر خاموش شده باشند، رنگ سبز باقی می‌ماند. در بیان رنگ خرقه‌ها در فتوت نامه‌ها: «بدان که الوان خرقه مختلف است ... و هر رنگی از آن طایفه‌ای است... اگر پرسند که لون سبز از آن کیست؟ بگوی رنگ سبز، رنگ سبزه و آب است و از آن عالی‌همتان و زنده‌دلان است و این رنگ را حضرت رسالت بسیار پوشیدی و به‌غایت پسندیدی ... و هر که این رنگ جامه (پوشید باید که چون سبز) خندان و خرم باشد و مانند آب حیات‌بخش و دلپذیر باشد.» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۱۶۷). رنگ خرقه طریقت علویه قادریه صادقیه در ابتدا فقط سفید بوده که در سیری در روز تولد حضرت علی (ع) اجازه پوشیدن خرقه به رنگ سبز که به علت قبولی توبه سالکین طریقت از طرف حضرت حق و شفاعت پذیری پیران این طریقت بوده، توسط بنیان‌گذار این طریقت اخذ گردیده است.^۳

در نگاره ۱۸ از کمال‌الدین بهزاد، هنرمند درویشان را در سماع به تصویر کشیده است او که خود از نقشبندیه بود. با آشنایی از مراتب و درجات هفت‌گانه تصوف و جنبه نمادین رنگ‌ها در این فرقه‌ها، آن‌ها را بازنمایی کرده است. حالات و رنگ خرقه‌های در این جمع درویشان نشان از قرارگیری هر یک از آن‌ها در مرتبه‌ای از سلوک عارفانه است.

نتیجه

در جوامع مختلف بشری برای رنگ‌ها مفاهیم نمادین در نظر گرفته شده است که در بسیاری موارد تا به امروز باقی‌مانده و حفظ شده‌اند. در تاریخ ایرانی و ایرانی-اسلامی گروه‌های مختلفی مانند قزلباشان، خرم‌دینان، سبزیپوشان اشکانی، سیاه‌جامگان و حروفیان و ... از جنبه‌های نمادین رنگ برای بیان اهداف خاص سیاسی و اجتماعی خود استفاده کرده‌اند. با مطالعه و تطبیق داده‌ها در منابع ادبی، اسطوره‌ای و عرفانی با نگاره‌ها می‌توان

به موارد بیان نشده آن‌ها در لابه‌لای لایه‌های پنهان شده و جنبه‌های نمادین رنگ‌ها در این متون پی‌برد. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که رنگ سبز در اندیشهٔ میتراپی و مزدایی گاه نماد آسمان، ماه و آب و گاهی در نماد داد و دادگری، فرشته و سروش؛ و همچنین در نظام طبقاتی جامعه قبل از اسلام نماد طبقه کشاورز بود. این رنگ در اندیشه اسلامی نیز نماد بهشت و بهشتیان، پیامبران و ائمه؛ و در عرفان و تصوف به‌عنوان مرحله‌ای از سلوک عارفانه است. ایمان و عقیده راسخ، خرد و دانایی، جوانی و نشاط و... دیگر نمادهای رنگ سبز هستند.

پی‌نوشت

۱. مصاحبه خیرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» با دکتر بهمن نامور مطلق با عنوان «ناموسی به نام پرچم» به تاریخ یکشنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۷. ناموسی-به-نام-پرچم/97071408019/news/www.isna.ir/http
۲. هفتالیان نوادگان مردم ایرانی تباری بودند که در آسیای میانه و باختر چین به دامداری و کوچ‌روی مشغول بودند اما به تدریج توسط اقوام ترک-مغول به جنوب و جنوب‌غربی محل سکونتشان رانده شده و در آنجا حکومت‌هایی تأسیس کردند. در سال ۵۶۷ میلادی به دست قوای مشترک انوشیروان و گوک ترک‌ها از بین رفتند.
۳. «خرقه و فلسفه آن در طریقت علویه قادریه صادقیه» سه‌شنبه ۹ شهریورماه سال ۱۳۹۵. <https://sadeghi1374.blogspot.com/1395/06/page/2>

منابع

-قران مجید

- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۴). الطبقات الکبری. محقق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- آملی، مولانا اولیا اله (۱۳۱۳). تاریخ رویان. به تصحیح عباس خلیلی. تهران: کتابخانه اقبال.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۷۷). اسطوره بیان نمادین. چاپ اول. تهران: سروش.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی (۱۳۵۴). نگاهی به سوخرائیان. گوهر. شماره ۶۳۳. صص ۷۲۸ - ۷۳۳
- العظمه، نظیر (۱۹۸۲). معراج و نمادگرایی عرفانی. بیروت: دارالبحث
- اقبال، عباس (۱۳۰۹). ذکر بعضی از آثار مفقوده نثر فارسی. مجله شرق. شماره ۲. صص ۹۳-۱۰۳
- باخزری، ابوالمفاخریحیی (۱۳۴۵). اورادالاحباب و فصوص الآداب، (ج ۲). به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بکری، احمد بن عبدالله (۱۳۷۳). الأنوار فی مولد النبى، چاپ اول، قم: الشریف الرضی
- بیرونی، ابوریحانی (۱۳۱۸). التفهیم به تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: ملک
- بهار، مهرداد (۱۳۸۴). پژوهشی در اساطیر ایران. چاپ پنجم. تهران: آگاه.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۷۸). تاریخ بیهقی به کوشش خطیب رهبر. تهران: قطره
- تاج‌واردی، زرین؛ مختارنامه، آزاده (۱۳۸۶). بررسی رنگ در حکایت‌های هفت‌پیکر نظامی. ادب پژوهی. دوره ۱. شماره ۲. ۱۶۷-۱۸۹
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۶۷). تاریخ عرفان و عارفان ایرانی. تهران: کوشش
- حسین بن محمد بن الحسن الدیار بکری (بی تا). تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس، (ج ۱). بیروت: دار
- صادر
- خبره‌زاده، علی اصغر (۲۵۳۶). جدال نور و ظلمت. تهران: آبان

- روهینا، ماهک و احمدپناه، سید ابوتراب. (۱۳۹۷). بررسی نقش‌مایه درخت سرو در قالی‌های دوره صفوی و قاجار. پیکره، ۷(۱۳)، ۱۷-۳۵.
- رنجبر، مریم، نیک اندیش، بهزاد و چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۹۸). نقش نمادین ستاره در قالی‌های دوره اسلامی. پیکره، ۸(۱۵)، ۶۲-۷۷.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴). تفسیر الدر المنثور، قم: دارالمنشورات کتابخانه مرعشی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). امالی المفید، کنگره شیخ مفید، قم.
- صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۲). جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری. تهران: پاژنگ.
- شهری باف، جعفر (۱۳۸۳). طهران قدیم، چاپ ۴، تهران، جلد ۲: نشر معین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۴). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ دوم. تهران. ج ۱۳: اساطیر.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: مرتضی.
- عنصری، جابر (۱۳۶۶). درآمدی بر نیایش و نمایش در ایران. چاپ اول. تهران: جهاد دانشگاهی.
- غزالی، محمد (۱۳۷۴). کیمیای سعادت. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: علمی و فرهنگی.
- قاسمی، ریحانه (۱۳۹۶). رنگ فرمانروای فرهنگ. چاپ اول. تهران: نسیم تحول.
- قاضی‌زاده، خشایار؛ خزایی، محمد (۱۳۸۴). مقامات رنگ در هفت‌پیکر نظامی و تجلی آن در نمونه‌های از آثار نگارگری. پژوهش هنر اسلامی، شماره ۳، صص ۷-۲۴.
- قربنغ دادگی (۱۳۷۸). بندهشن. گزارنده مهرداد بهار. تهران: توس.
- کربن، هانری (۱۳۸۷). انسان نورانی در تصوف ایرانی. ترجمه فرامرز جواهری نیا. چاپ دوم. شیراز: آموزگار خرد.
- کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۵۰). فتوتنامه سلطانی. به اهتمام محمدجعفر محجوب. چاپ اول. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کبری، نجم‌الدین (۱۹۹۳). فوائج الجمال و فوائج الجلال. ویراسته یوسف زیدان. قاهره: دار سعادت الصباح.
- گیلانی، عبدالقادر (۱۳۹۴). الغنیة لطالبی طریق الحق. ترجمه زاهد ویسی. سندج: آراس.
- محمودی، خیراله؛ بخشی زاده، معصومه (۱۳۹۲). مزرع سبز فلک نگاهی انتقادی به شعر حافظ. هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادب فارسی. صص ۱۶۱۲-۱۶۲۳.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی واداری در دوره قاجاری، از آقا محمدخان تا آخر ناصرالدین‌شاه، (ج ۱). چاپ ۶. تهران: زوار.
- مونسی سرخه، مریم و همکاران (۱۳۹۴). نوع لباس و نمادهای رنگ در عرفان اسلامی. هنرهای زیبا. دوره ۲. ش ۴۴. ۱۴-۵.
- میبدی، ابوالفضل (۱۳۷۱). کشف‌الاسرار و عده‌الابرار. به اهتمام علی‌اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
- نیکوبخت، ناصر؛ قاسم‌زاده، سیدعلی (۱۳۸۷). سمبولیسم نور و رنگ در عرفان ایرانی اسلامی. مطالعات عرفانی. شماره ۸. صص ۱۸۳ - ۲۱۲.

